مقاله پژوهشی
مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان
دوره ۲۲، دی ۱۴۰۲، ۱۰۳۶-۱۰۱۹

نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان در رابطه بین صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی با فرسودگی والدینی در مادران شهر تهران در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۱: یک مطالعه توصیفی

مطهره غلامی حسنارودی[۱]، نازنین فاتحی[۲]، سیده فاطمه موسوی[۳]

دریافت مقاله:۱۴۰۲/۰۴/۱۳ ارسال مقاله به نویسنده جهت اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸ دریافت اصلاحیه از نویسنده: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

چکیده

زمینه و هدف: مسئولیت‌های والدینی برای مادران به عنوان مراقبان اصلی، تجربه استرس‌زایی است که می‌تواند به فرسودگی والدینی منجر شود. بنابراین، بررسی عوامل زیربنایی که خطر ابتلاء به فرسودگی مادران را افزایش می‌دهد، ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان در رابطه بین صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی و وظیفه شناسی با فرسودگی والدینی در مادران شهر تهران انجام شد.

مواد و روش‌ها: در پژوهش توصیفی حاضر، حجم نمونه شامل ۲۸۶ نفر از مادران شهر تهران در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های فرسودگی والدینی Roskam، پرسش‌نامه تنظیم هیجان Gross و John و پرسش‌نامه پنج عاملی شخصیت Costa و McCrae استفاده شد. داده‌ها با آزمون همبستگی Pearson و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سن مادران مورد بررسی ۸/۴۳ ± ۳۵/۷۸ سال بود. نتایج تحلیل میانجی نشان داد که رابطه مستقیم روان‌رنجورخویی و رابطه غیرمستقیم آن از طریق سرکوبی با فرسودگی والدینی معنادار بودند (به ترتیب β=۰/۱۹۴ و β=۰/۰۶۹، P<۰/۰۱). هم‌چنین، رابطه مستقیم وظیفه شناسی و رابطه غیرمستقیم آن از طریق ارزیابی مجدد با فرسودگی والدینی معنادار بودند (به ترتیب β=-۰/۲۱۶ و β=-۰/۰۷۸، P<۰/۰۵). بنابراین، سرکوبی در رابطه بین روان‌رنجورخویی و فرسودگی والدینی و هم‌چنین ارزیابی مجدد در رابطه بین وظیفه شناسی و فرسودگی والدینی، نقش میانجی جزئی مکمل را داشتند.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر بر نقش مهم راهبردهای تنظیم هیجان که پیوند دهنده صفات شخصیتی به فرسودگی والدینی است و نیز اهمیت توجه به آموزش مهارت‌های هیجانی به مادران تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: فرسودگی والدینی، صفات شخصیتی، روان‌رنجورخویی، وظیفه‌شناسی، تنظیم هیجان

۱- دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران
۲- دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
۳- (نویسنده مسئول) دانشیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا، تهران ،ایران
تلفن: ۸۸۰۵۸۹۲۶-۰۲۱، دورنگار: ۸۵۶۹۲۰۷۸-۰۲۱، پست الکترونیکی: f.mousavi@alzahra.ac.ir

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

مقدمه

والدگری (Parenting)، تجربه‌ای لذت بخش اما استرس‌زا است. در این بین، والدینی که فاقد منابع کافی در کنترل فشارهای روانی نقش والدگری‌شان باشند، ممکن است دچار فرسودگی والدینی (Parental burnout) شوند [۲-۱]. فرسودگی والدینی یک سندرم پیچیده ناشی از استرس مزمن والدینی است که شامل عواملی همچون خستگی شدید (جسمی و عاطفی)، دوری عاطفی از کودک و احساس بی‌تأثیر بودن در نقش والدگری است. افزون بر این، وقتی فرسودگی والدینی با فاصله‌گیری عاطفی از فرزند همراه شود، والدین را مستعد پرخاشگری می‌کند [۳]، که می‌تواند با اثرگذاری منفی بر رشد و سلامت روان کودک، افسردگی و اضطراب کودکان را پیش‌بینی کند [۴]، که این نتایج نشان از اهمیت و ضرورت پرداختن به عوامل مؤثر در فرسودگی والدینی است تا پیش از آن‌که منجر به فاصله عاطفی بین والد و کودک گردد، عوامل مؤثر شناسایی و پیش‌گیری شود [۳].

ادبیات پژوهشی موجود در این زمینه، علل بالقوه فرسودگی والدینی را از جنبه‌های مختلف (مانند عوامل جامعه شناختی، عملکرد خانواده، ویژگی‌های فرزند و عوامل مرتبط با والدین) مورد بررسی قرار داده‌اند [۶-۵]. در این بین، صفات شخصیتی (الگوهای نسبتاً پایدار افکار و احساسات) یکی از علل بالقوه فرسودگی والدینی هستند [۷-۶]، به طوری‌که مطابق شواهد پژوهشی به نظر می‌رسد روان‌رنجورخویی (Neuroticism) و وظیفه‌شناسی (Conscientiousness) هر دو با فرسودگی والدینی مرتبط هستند [۶]. روان‌رنجورخویی از جمله صفات شخصیتی است که تمایل به تنش، اضطراب، خودمحوری، خصومت، تکانش گری، ترس و افسردگی را نشان می‌دهد. هم‌چنین، نمرات روان‌رنجورخویی بالا می‌تواند رضایت از زندگی را پیش‌بینی کند، به‌طوری‌که افراد روان‌رنجور رضایت کمتری از زندگی را نسبت به دیگران گزارش می‌دهند. از این رو، به نظر می‌رسد روان‌رنجورخویی احتمال فرسودگی والدینی را افزایش دهد [۶، ۸-۹].

یکی دیگر از صفات شخصیتی مرتبط با فرسودگی والدین، وظیفه‌شناسی است که اشاره به مسئولیت‌پذیری، خودتنظیمی موفق و سخت‌کوشی دارد [۱۱-۱۰]. ادبیات پژوهش در این زمینه، رابطه منفی و معنادار بین وظیفه‌شناسی و فرسودگی والدینی را تأیید می‌کند که در آن والدین با نمرات وظیفه‌شناسی پایین‌تر در ارائه یک محیط ساختاریافته و منسجم برای رشد فرزندان خود مشکل دارند. در نتیجه، می‌تواند احتمال فرسودگی والدینی را افزایش دهد [۶].

به نظر می‌رسد ارتباط بین صفات شخصیتی و فرسودگی والدینی از طریق میانجی‌گری تنظیم هیجان (Emotion regulation) با تکیه بر ادبیات پژوهشی [۱۱-۹]، برای بررسی مکانیسم ارتباطی پژوهش حاضر قابل بررسی باشد. تنظیم هیجان به عنوان فرآیندی (آگاهانه یا ناآگاهانه) تعریف می‌شود که از طریق دو مکانیزم ارزیابی مجدد

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

(Reappraisal) و سرکوبی (Suppression) بر تجربه و بیان احساسات تأثیر می‌گذارد [۱۳-۱۲]. ارزیابی مجدد، یک استراتژی تنظیم هیجان است که شامل تغییر ساختار شناختی یک محرک هیجانی است که نحوه تفسیر یک رویداد را تغییر می‌دهد و به کاهش استرس کمک می‌کند [۱۴]. با این حال سرکوبی یک استراتژی ناسازگار است که با اجازه ندادن به ابراز احساسات، مانعی برای قرار گرفتن مؤثر فرد در موقعیت‌های مختلف است که منجر به افزایش استرس و برانگیختگی می‌شود [۱۳].

بر اساس تفاوت‌های فردی در واکنش‌پذیری هیجانی و طبق نظر Domaradzka و همکارش [۱۵]، نوع و تأثیر راهبردهای تنظیم هیجان در موقعیت‌های هیجانی مختلف و صفات شخصیتی متفاوت است [۱۷-۱۶]. در این زمینه، Gross و همکارش [۱۳] نشان دادند که نمرات بالاتر روان‌رنجورخویی با گرایش‌های اجتنابی، بازداری رفتاری و استفاده فزآینده از راهبردهای ناسازگار (سرکوبی) برای فرار از تجربیات هیجانی منفی همراه است که ممکن است منجر به نشخوار فکری بیشتر، ارزیابی مجدد کمتر و تشدید تجربیات هیجانی منفی شود [۱۸].

علاوه بر این، وظیفه‌شناسی به عنوان یک ویژگی شخصیتی مرتبط با تنظیم هیجان است که می‌تواند اثر متقابل خشم و رفتار پرخاشگرانه را در تجارب ناامیدکننده تعدیل نماید [۱۹]. مطابق پژوهش‌های پیشین، والدین وظیفه شناس از راهبردهای تنظیم هیجان سازگار (مانند ارزیابی مجدد شناختی) استفاده می‌کنند و هم‌چنین می‌توانند علی‌رغم برانگیختگی عاطفی [۱۸]، رفتار هدف‌گرا اتخاذ کنند و کمتر از فرسودگی والدین رنج ببرند [۶].

در نهایت، استرس طولانی مدت ناشی از نقش والدینی می‌تواند منجر به فرسودگی والدینی شود که سلامت جسمی و روانی والدین و فرزندان را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، احتمال فرسودگی والدینی در بین مادران به دلیل نقش محوری آن‌ها در تربیت فرزند بیشتر است [۲۰]. هرچند رابطه بین صفات شخصیتی و فرسودگی والدینی تا حدی مشخص شده است [۲۲-۲۱]، اما در مورد عوامل مؤثر بر فرسودگی والدینی به ویژه در مادران، پژوهش‌ها کافی نیست و خلاء پژوهشی در بررسی مکانیسم‌های احتمالی این رابطه هم‌چنان ناشناخته باقی مانده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان در رابطه بین صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی با فرسودگی والدینی در مادران شهر تهران اجرا گردید. شکل ۱، الگوی پیشنهادی پژوهش را نشان می‌دهد.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

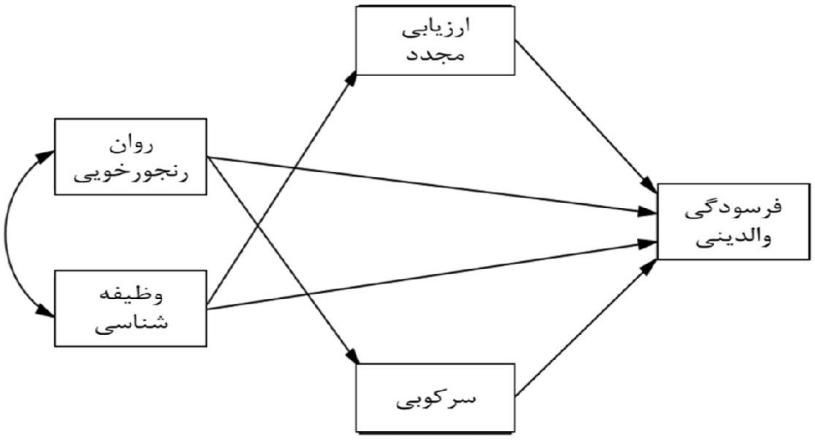

شکل ۱- مدل پیشنهادی نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان در رابطه بین صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی با فرسودگی والدینی

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه مادران مناطق ۲۲گانه شهر تهران بود که حداقل یک فرزند زیر ۱۸ سال با آن‌ها زندگی می‌کرد. گردآوری داده‌ها در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ و به شیوه در دسترس و به صورت برخط انجام شد. به علاوه، حجم نمونه پژوهش حاضر با تکیه بر ادبیات پژوهشی و توصیه روش شناختی Kline، که باید به ازای هر پارامتر در مدل، حداقل ده تا بیست مورد به حجم نمونه اضافه شود [۲۳]، در نظر گرفته شد که با توجه به متغیرهای پژوهش (۵ متغیر) و زیر مقیاس آن‌ها (۸ متغیر) با در نظر گرفتن احتمال ریزش، ۳۰۶ نفر آزمودنی در نظر گرفته شد.

ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال، مادر بودن و داشتن حداقل یک فرزند زیر ۱۸ سال بود. از سوی دیگر، ابتلاء به بیماری‌های جسمانی و روانی جدی مستلزم مصرف داروهای روان‌پزشکی و نیز سوء مصرف مواد (با توجه به گزارش فرد در پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت شناختی)، ملاک‌های خروج از این پژوهش بود. پس از غربالگری معیارهای خروج در مرحله نهایی، ۲۰ مورد از تحلیل حذف شدند و در نهایت داده‌های ۲۸۶ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

اجرای پژوهش حاضر به این صورت بود که بعد از تأیید پروتکل پژوهش حاضر از سوی کمیته اخلاق دانشگاه الزهراء (IR.ALZAHRA.REC.1400.076)، به تدوین پرسش‌نامه‌های پژوهش به صورت برخط با استفاده از پلتفرم Google Forms، در بازه زمانی فروردین ۱۴۰۱ تا فروردین ۱۴۰۲ پرداخته شد. در ابتدای پرسش‌نامه برخط چکیده مختصری از اهداف پژوهش برای شرکت کنندگان ارائه شد و از محرمانگی کامل به آن‌ها اطمینان داده شد و سپس فراخوان شرکت در پژوهش در شبکه‌های اجتماعی مختلف (مانند تلگرام، واتس‌اپ و اینستاگرام، ایتا) به اشتراک گذاشته شد و از کلیه مادران که معیارهای ورود به پژوهش را دارا بودند، دعوت به شرکت در پژوهش شد. سپس لینک پرسش‌نامه برخط در اختیار آن دسته از واجدین شرایطی

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

قرار گرفت که با تکمیل رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش موافقت کرده بودند. هم‌چنین، به شرکت‌کنندگان این اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه خواهد ماند و در عین حال قادرند که در هر مرحله از پژوهش که مایل به خروج از پژوهش بودند، انصراف خود را اعلام نمایند. در پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده‌ها علاوه بر گردآوری اطلاعات جمعیت شناختی (مانند سن مادر، سطح تحصیلات، سن هنگام ازدواج، مدت زمان ازدواج، سن به هنگام اولین بارداری، تعداد فرزندان، سن فرزندان، سابقه طلاق، نوع خانواده فعلی؛ تک والدی، دو والدی، پدر-مادر خواندگی، وضعیت اقتصادی، و سطح درآمد)، از سه پرسش‌نامه روان‌شناختی نیز استفاده گردید که پرسش‌نامه های مورد استفاده به شرح ذیل بودند:

مقیاس سنجش فرسودگی والدینی (Parental burnout scale): این پرسش‌نامه برای اولین بار توسط Roskam و همکاران برای ارزیابی میزان خستگی و فرسودگی والدین ناشی از وظایف فرزندپروری ساخته شد. این مقیاس شامل ۲۳ گویه با چهار خرده مقیاس خستگی از نقش والدینی خود، تقابل با خود والدینی گذشته، احساس بیزاری از نقش والدینی و فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی است. تعداد ۹ گویه خستگی از نقش والدینی (به طور مثال: اصلاً برای مراقبت از فرزندم انرژی ندارم)، ۶ گویه تقابل در خود والدین (به طور مثال: به خودم می‌گویم دیگر آن پدر/مادری که بودم نیستم)، ۵ گویه احساس بیزاری از نقش والدی (به طور مثال: من دیگر نمی‌توانم نقش خود را به عنوان پدر/مادر تحمل کنم) و ۳ گویه احساس فاصله عاطفی از فرزند (به طور مثال: دیگر قادر نیستم به فرزندانم نشان دهم چقدر دوستشان دارم)، را اندازه می‌گیرد. گویه‌ها دارای طیف لیکرت هفت درجه‌ای از هرگز (نمره صفر) تا هر روز (نمره شش) است. نمره کل فرسودگی والدینی از جمع نمرات تمام گویه‌ها به دست می‌آید. دامنه نمرات این مقیاس از ۰ تا ۱۳۸ قرار دارد. نمرات نزدیک به صفر، به معنای نبود علائم فرسودگی و نمرات نزدیک به طیف انتهایی، فرسودگی شدید را بیان می‌کند. روایی و پایایی مقیاس در مطالعه سازندگان آن در فرهنگ‌ها و در دو جنسیت، پذیرفتنی گزارش شده است. بر این اساس، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۳ و ۰/۹۳ به ترتیب برای چهار خرده مقیاس و ۰/۹۶ برای نمره کل در والدین فرانسوی و انگلیسی زبان به دست آمده است [۲۴]. پایایی در مطالعه اعتبارسنجی فارسی مقیاس فرسودگی والدین در ایران ۰/۸۲، ۰/۸۷، ۰/۹۰، ۰/۶۰ و ۰/۹۳ به ترتیب برای خستگی از نقش والدینی، تقابل با خود والدینی در گذشته، احساس بیزاری از نقش والدینی، فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی و نمره کل مقیاس محاسبه شده است [۲۵]. میزان همسانی درونی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه گردید.

مقیاس تنظیم هیجان (Emotion regulation scale): این پرسش‌نامه، توسط Gross و John [۱۳]، برای ارزیابی متغیر تنظیم هیجان ساخته شد. این مقیاس شامل ۱۰ گویه و ۲ خرده مقیاس ارزیابی مجدد و سرکوبی هیجان است. ۴ گویه، سرکوبی هیجان (به طور مثال: من هیجاناتم را با نشان ندادنشان کنترل می‌کنم) و ۶ گویه ارزیابی مجدد هیجان (به طور مثال: من هیجاناتم را با تغییر روش فکر کردن به شرایطی که در آن هستم کنترل می‌کنم) را اندازه می‌گیرد.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

گویه‌ها بر اساس لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات بالاتر برای موارد ارزیابی مجدد و نمرات پایین‌تر برای موارد سرکوبی هیجان، بیان‌گر راهبردهای بهتر تنظیم هیجان است. Gross و همکارش [۱۳]، ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس-های ارزیابی مجدد و سرکوبی هیجان را به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۳ و پایایی بازآزمایی را ۰/۶۹ گزارش کردند. هم‌چنین، تحقیقات نشان داد که مقیاس تنظیم هیجان با خرده مقیاس‌های ارزیابی مجدد و سرکوبی هیجان از سازگاری درونی خوبی برخوردار است و مقادیر آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد ۰/۸۲ و برای سرکوبی هیجان ۰/۶۴ به دست آمده است [۲۶]. در پژوهش‌های داخلی، Karbalaie و همکاران پایایی این مقیاس را ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند [۲۷]. میزان همسانی درونی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد ۰/۷۱ و برای سرکوبی هیجان ۰/۷۰ محاسبه گردید.

فرم کوتاه پرسش‌نامه شخصیت نئو (NEO Five-Factor Inventory): این پرسش‌نامه توسط McCrae و Costa [۲۸] برای ارزیابی پنج عامل بزرگ شخصیت (روان‌رنجورخویی، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه و موافقت) تنظیم شد. این پرسش‌نامه از ۶۰ گویه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱=کاملاً موافقم تا ۵=کاملاً مخالفم) تهیه شده است که هر ۱۲ گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت را اندازه می‌گیرد و نمره هر عامل جداگانه محاسبه می‌شود که در پژوهش حاضر تنها گویه‌های مربوط به دو عامل شخصیت (روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی) مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که زیر مقیاس‌های این پرسش‌نامه از همسانی درونی خوبی برخوردارند. برای مثال، Helle و همکارش [۲۹]، گزارش کردند که آلفای کرونباخ از ۰/۸۷ (گشودگی به تجربه) تا ۰/۹۱ (روان‌رنجورخویی) برای پنج حوزه متغیر است. هم‌چنین در ایران Anisi، آلفای کرونباخ را برای وظیفه شناسی و روان‌رنجورخویی به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۰ گزارش کرد [۳۰]. ضرایب آلفای کرونباخ در مطالعه حاضر برای روان‌رنجورخویی ۰/۷۵ و برای وظیفه شناسی ۰/۷۸ محاسبه گردید.

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴، در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بخش آمار توصیفی، فراوانی و میانگین، درصد، چولگی، کشیدگی و انحراف معیار استفاده شد. در تحلیل استنباطی، ابتدا غربال‌گری داده‌ها برای بررسی هرگونه نقاط پرت و انحراف از توزیع نرمال انجام شد. سپس از آزمون همبستگی Pearson برای بررسی همبستگی بین تمامی متغیرهای پژوهش و نیز به منظور بررسی مدل از تحلیل مسیر با رویکرد بیشینه احتمال (Maximum likelihood) و اثرات میانجی از طریق Bootstrapping بررسی شدند. سطح معناداری در آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج

شرکت‌کنندگان (۲۸۶ مادر) به طور متوسط ۸/۴۳± ۳۵/۷۸ (انحراف معیار±میانگین) سال سن داشتند و به مدت

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

۱۵/۵۵±۲/۸۹ سال تحصیل کرده بودند. آن‌ها به طور متوسط در سن ۲۴/۱۴±۵/۳۱ سالگی ازدواج کرده بودند و در سن ۲۶/۵۱±۵/۲۸ سالگی برای اولین بار باردار شده بودند و به طور متوسط ۱۱/۶۴±۷/۹۴ سال زندگی مشترک داشتند. شرکت‌کنندگان پژوهش به طور متوسط ۲ فرزند داشتند که سن بزرگ‌ترین فرزند ۹/۰۲±۷/۵۴ سال و سن کوچک‌ترین فرزند ۶/۷۶ ± ۵/۸۶ سال بود. از بین شرکت کنندگان، ۲۴۵ نفر (۸۵/۵ درصد) خانواده دو والدی، ۱۸ نفر (۶/۳ درصد) خانواده تک والدی، ۲ نفر (۰/۷ درصد) خانواده پدر/مادرخواندگی و ۲۱ نفر (۷/۳ درصد) خانواده چندنسلی داشتند. ۲۹ نفر (۱۰/۱ درصد) از شرکت‌کنندگان در محله‌های غیربرخوردار، ۱۴۹ نفر (۵۲/۱ درصد) در محله‌های متوسط و ۱۰۹ نفر (۳۷/۸ درصد) در محله‌های برخوردار زندگی می‌کردند. در نهایت این که ۱۴۶ نفر (۵۱/۰ درصد) از آنان دارای درآمد بودند.

ابتدا پیش‌فرض‌های تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفتند. این پیش‌فرض‌ها شامل نبود داده‌های پرت تک متغیره و چند متغیره، و برخورداری متغیرها از توزیع نرمال تک متغیره و چند متغیره هستند [۳۱]، داده‌های پرت تک متغیره از طریق بررسی نمرات استاندارد مشخص شدند. در متغیر وظیفه شناسی نمره استاندارد دو نفر از شرکت کنندگان و در متغیر فرسودگی والدینی نمره استاندارد سه نفر از شرکت‌کنندگان، ۳ انحراف استاندارد بالاتر از میانگین بود. هم‌چنین در متغیر سرکوبی، نمره استاندارد یک نفر از شرکت‌کنندگان، ۳ انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین بود. بنابراین، جمعاً شش شرکت‌کننده به دلیل وجود داده‌های پرت تک متغیره از تحلیل کنار گذاشته شدند. هم‌چنین، وجود داده‌های پرت چندمتغیره با استفاده از فاصله Mahalanobis مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس مشخص گردید که centroid دو نفر از شرکت‌کنندگان، فاصله زیادی از سایرین داشت و بنابراین این دو نفر نیز از تحلیل کنار گذاشته شدند. بر این اساس، تحلیل نهایی با داده‌های ۲۸۶ شرکت کننده انجام گرفت. آماره‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است. همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، مقادیر کجی (چولگی) و کشیدگی همه متغیرها در محدوده ۱+ و ۱- قرار داشت که نشان می‌دهد، داده‌ها از توزیع نرمال تک متغیره برخوردار بودند. بررسی نمودار هیستوگرام متغیرها نیز این موضوع را تأیید کرد. آماره Mardia نیز برابر با ۲/۴۲۶ بود. با توجه به این‌که آماره Mardia کمتر از ۵ نشان دهنده توزیع نرمال چند متغیره است [۳۱]، بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال چند متغیره برخوردار بود و پیش‌فرض‌های تحلیل مسیر برقرار بودند.

بررسی ماتریس همبستگی نشان داد که به جزء همبستگی بین نمره روان‌رنجورخویی و ارزیابی مجدد که معنادار نبود (P=۰/۴۱۵ ،r=-۰/۰۴۸)، سایر همبستگی‌ها همگی معنادار و در جهت مورد انتظار بودند و مقدار آن‌ها در محدوده ۰/۱۳۲ تا ۰/۳۸۶ قرار داشت (P<۰/۰۵) (جدول ۱).

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

جدول ۱- آماره‌های توصیفی و ماتریس همبستگی نمرات روان‌رنجورخویی، وظیفه‌شناسی، ارزیابی مجدد، سرکوبی و فرسودگی والدینی در مادران شهر تهران در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ (n=۲۸۶)

متغیر	روان رنجورخویی	وظیفه‌شناسی	ارزیابی مجدد	سرکوبی	فرسودگی والدینی
روان رنجورخویی	۱				
وظیفه شناسی	-۰/۲۳۵**	۱			
ارزیابی مجدد	-۰/۰۴۸	۰/۳۸۶**	۱		
سرکوبی	۰/۲۲۰**	-۰/۱۳۲*	۰/۱۹۷**	۱	
فرسودگی والدینی	۰/۳۲۶**	-۰/۳۷۸**	-۰/۲۱۶**	۰/۳۶۷**	۱
میانگین	۲۵/۲۷	۲۵/۲۸	۲۵/۰۰	۱۵/۹۲	۵۷/۴۷
انحراف استاندارد	۵/۲۴	۵/۹۳	۵/۸۷	۳/۸۱	۲۰/۸۳
چولگی (کجی)	۰/۱۶۰	۰/۵۹۵	-۰/۱۰۰	۰/۰۰۷	-۰/۲۷۹
کشیدگی	-۰/۱۰۱	۰/۴۲۰	-۰/۴۹۶	-۰/۳۵۲	۰/۱۶۰

ضریب همبستگی Pearson، ** P<۰/۰۱، * P<۰/۰۵

ابتدا مدل اصلی پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۲ ارائه شده‌اند. آماره کای دو (χ^2) عدد ۲۷/۱۷۲ به دست آمد (P<۰/۰۰۱) که بیان‌گر عدم برازش مدل است. با این حال، آماره χ^2 نسبت به حجم نمونه حساسیت بالایی دارد و در نمونه‌های دارای حجم بالا، حتی مدل‌های برازش شده را به اشتباه رد می‌نماید. بنابراین، این آماره شاخص مناسبی برای قضاوت نیست و از شاخص‌های برازش دیگری از جمله شاخص نیکویی برازش (Goodness of Fit Index; GFI)، شاخص برازش تطبیقی (Comparative Fit Index; CFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (Adjusted Goodness of Fit Index; AGFI)، شاخص خطای جذر میانگین مربعات (Root Mean Square Error of Approximation; RMSEA) شاخص ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد شده (Standardized Root Mean Squared Residual; SRMR) باید استفاده کرد.

در مورد GFI، AGFI و CFI ارزش بالاتر از ۰/۹۵ و درباره RMSEA و RMR ارزش پایین‌تر از ۰/۰۶ نشان‌گر برازش مدل در نظر گرفته می‌شوند [۳۱]. بر این اساس مشخص شد که مدل اصلی از برازش کافی برخوردار نبود و نیاز به تعدیل داشت.

شاخص‌های تعدیل بیانگر آن بودند که باید پیکانی یک طرفه بین سرکوبی هیجان و ارزیابی مجدد یا بالعکس کشیده شود یا این‌که عبارات خطای این دو متغیر با هم همبسته گردند. با توجه به این‌که کشیدن پیکان یک‌طرفه بین این دو متغیر از دیدگاه نظری منطقی نبود، بنابراین عبارات خطای این دو متغیر با هم همبسته شدند. از آن-جایی که سرکوبی هیجان و ارزیابی مجدد، هر دو ابعادی از تنظیم هیجان هستند، بنابراین از دیدگاه نظری منطقی است که بین عبارات خطای آن‌ها همبستگی وجود داشته باشد. به علاوه، با توجه به این‌که اثر مستقیم روان‌رنجورخویی بر ارزیابی مجدد و هم‌چنین اثر مستقیم وظیفه‌شناسی بر سرکوبی هیجان در هیچ یک از مدل‌های اصلی و تعدیل شده

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

معنادار نبود، بنابراین این اثرات مستقیم از مدل نهایی حذف گردیدند. شاخص‌های مدل نهایی تعدیل شده در جدول ۲ گزارش شده است. همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، شاخص‌های برازش نشان می‌دهند که داده‌ها با مدل نهایی تعدیل شده برازش داشتند (GFI=۰/۹۹۶، AGFI=۰/۹۷۰، CFI=۰/۹۹۶، RMSEA=۰/۰۳۹ و SRMR=۰/۰۲۸).

جدول ۲- شاخص‌های نیکویی برازش مدل متغیرهای روان‌رنجورخویی، وظیفه‌شناسی، ارزیابی مجدد، سرکوبی و فرسودگی والدینی در مادران شهر تهران در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ (n=۲۸۶)

شاخص	χ^2	Df	χ^2/df	مقدار P	GFI	AGFI	CFI	RMSEA	SRMR
ارزش عددی	۲۷/۱۷۲	۱	۲۷/۱۷۲	< ۰/۰۰۱	۰/۹۷۲	۰/۵۸۲	۰/۸۹۶	۰/۲۶۶	۰/۰۶۶
ارزش عددی تعدیل شده	۲/۸۶۳	۲	۱/۴۳۲	۰/۲۳۹	۰/۹۹۶	۰/۹۷۰	۰/۹۹۶	۰/۰۳۹	۰/۰۲۸

از آن‌جایی که مدل نهایی دارای برازش کافی بود، پارامترهای مدل برآورد شدند. مدل نهایی همراه با برآورد اثرات مستقیم استاندارد در شکل ۲ نشان داده شده‌اند. هم‌چنین اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل در جدول ۳ ارائه شده‌اند. همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، همه اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل معنادار و در جهت مورد انتظار بودند. در نهایت فرضیه‌های اصلی پژوهش یعنی اثرات میانجی مورد بررسی قرار گرفتند. اثر میانجی زمانی وجود دارد که هم اثر کل و هم اثر غیرمستقیم (یعنی اثر از طریق متغیر میانجی) معنادار باشند. سپس باید نوع میانجی مشخص گردد. اگر اثر مستقیم نیز معنادار بود، میانجی از نوع جزئی (Partial mediation) و اگر اثر مستقیم معنادار نبود، میانجی از نوع کامل (Full mediation) است. اثرات جزئی می‌توانند رقابتی (Competitive) یا مکمل (Complementary) باشند. در صورتی که اثر مستقیم و غیرمستقیم در یک جهت باشند، نوع میانجی مکمل و در صورتی که اثر مستقیم و غیرمستقیم در خلاف جهت هم باشند، نوع میانجی رقابتی خواهد بود [۳۲].

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، اثر کل روان‌رنجورخویی بر فرسودگی معنادار بود (β=۰/۲۶۳، P<۰/۰۵). هم‌چنین، اثر غیرمستقیم روان‌رنجورخویی بر فرسودگی از طریق متغیر میانجی سرکوبی نیز معنادار بود (β=۰/۰۶۹، P<۰/۰۱). بنابراین، سرکوبی نقش میانجی را در رابطه بین روان‌رنجورخویی و فرسودگی ایفاء می‌کرد. از آن جایی که اثر مستقیم روان‌رنجورخویی بر فرسودگی نیز معنادار بود (β=۰/۱۹۴، P<۰/۰۱) و اثرات مستقیم و غیرمستقیم در یک جهت قرار داشتند، بنابراین متغیر سرکوبی یک میانجی جزئی مکمل محسوب می‌گردد.

در مورد نقش میانجی متغیر ارزیابی مجدد نیز ملاحظه می‌شود که اثر کل وظیفه شناسی بر فرسودگی معنادار بود (β=-۰/۲۹۴، P<۰/۰۱). هم‌چنین، اثر غیرمستقیم وظیفه شناسی بر فرسودگی از طریق متغیر میانجی ارزیابی مجدد نیز معنادار بود (β=-۰/۰۷۸، P<۰/۰۱). بنابراین، ارزیابی مجدد نقش میانجی را در رابطه بین وظیفه‌شناسی و فرسودگی ایفا می‌کرد. از آن‌جایی که اثر مستقیم وظیفه‌شناسی بر فرسودگی نیز معنادار بود (β=-۰/۲۱۶،

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

P<۰/۰۵) و اثرات مستقیم و غیرمستقیم در یک جهت قرار داشتند، بنابراین متغیر ارزیابی مجدد نیز یک میانجی جزئی مکمل محسوب می‌گردد. در مجموع، نمرات روان‌رنجورخویی با میانجی‌گری سرکوبی، و وظیفه‌شناسی با میانجی‌گری ارزیابی مجدد توانستند ۲۹/۹ درصد از واریانس نمره فرسودگی والدینی را تبیین نمایند (P<۰/۰۱).

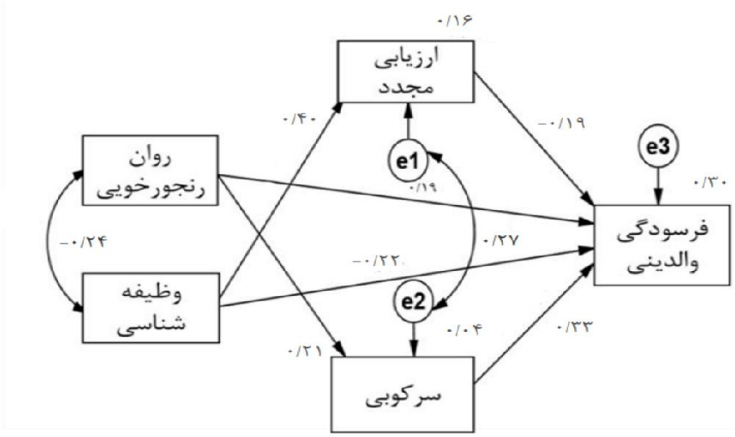

شکل ۲- مدل نهایی پژوهش برای نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان در رابطه بین صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی با فرسودگی والدینی به همراه پارامترهای استاندارد

جدول ۳- اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل استاندارد شده متغیرهای روان‌رنجورخویی، وظیفه شناسی بر فرسودگی والدینی با نقش میانجی ارزیابی مجدد و سرکوبی در مادران شهر تهران در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ (n=۲۸۶)

متغیرها	اثر	ارزیابی مجدد	سرکوبی هیجان	فرسودگی والدینی
روان رنجورخویی	مستقیم	-	۰/۲۰۷**	۰/۱۹۴**
	غیرمستقیم	-	-	۰/۰۶۹**
	کلی	-	۰/۲۰۷**	۰/۲۶۳*
وظیفه شناسی	مستقیم	۰/۴۰۳*	-	-۰/۲۱۶*
	غیرمستقیم	-	-	-۰/۰۷۸**
	کلی	۰/۴۰۳*	-	-۰/۲۹۴**
ارزیابی مجدد	مستقیم	-	-	-۰/۱۹۵**
	غیرمستقیم	-	-	-
	کلی	-	-	-۰/۱۹۵**
سرکوبی هیجان	مستقیم	-	-	۰/۳۳۵*
	غیرمستقیم	-	-	-
	کلی	-	-	۰/۳۳۵*

P<۰/۰۵ *، P<۰/۰۱ *

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی‌گر راهبردهای تنظیم هیجان در رابطه بین صفات شخصیتی (روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی) با فرسودگی والدینی، برای واکاوی این‌که کدام راهبرد تنظیم هیجان، میانجی‌گر رابطه بین صفات شخصیتی با فرسودگی والدینی است، انجام شد.

نتایج پژوهش حاضر در تطابق با سایر پژوهش‌ها [۶] نشان داد که رابطه مستقیم روان‌رنجورخویی با فرسودگی والدینی معنادار است. به عبارت دیگر، مادرانی که نمرات روان‌رنجورخویی بیشتری دارند، فرسودگی والدینی بالاتری را گزارش می‌کنند. برای پرداختن به این یافته، از آن‌جایی که روان‌رنجورخویی بالاتر با احساسات منفی (مانند غم، اندوه، خشم، برانگیختگی و گناه) همراه است، مادران روان‌رنجور بیشتر مستعد افسردگی و اضطراب هستند، زیرا محرک‌های خنثی و موقعیت‌های بی‌اهمیت را به عنوان فشارهای منفی شدید ارزیابی می‌کنند، بنابراین، به آن‌ها با احساسات منفی اغراق‌آمیز پاسخ می‌دهند. لذا ممکن است رفتار سخت‌گیرانه از خود نشان دهند [۲۱]. از سوی دیگر، روان‌رنجورخویی با تأثیرات منفی بر خودپنداره مادران، حس عزت نفس و کارآمدی مادران را کاهش می‌دهد که ممکن است منجر به درماندگی و سرخوردگی آن‌ها در مواجهه با استرس و در نتیجه افزایش فرسودگی والدینی شود [۳۳].

هم‌چنین، یافته‌ها نشان داد که رابطه غیرمستقیم روان‌رنجورخویی با فرسودگی والدینی از طریق میانجی‌گری تنظیم هیجان (مکانیزم سرکوبی) نیز معنادار است. بدین ترتیب، روان‌رنجورخویی با انتخاب راهبردهای تنظیم هیجان توسط مادران رابطه دارد، به طوری‌که مادران روان‌رنجور به دلیل استفاده بیشتر از مکانیزم سرکوبی، فرسودگی والدینی بیشتری را گزارش می‌کنند.

لذا در راستای تبیین نقش میانجی‌گر، تنظیم هیجان به عنوان یک مؤلفه کلیدی در تعاملات والد-فرزند می‌تواند بر حالات ذهنی مادران مؤثر واقع شود. به طوری‌که عملکرد انعکاسی والدین توسط ظرفیت تنظیم هیجان پشتیبانی می‌شود که تعیین می‌کند والدین چگونه حالات ذهنی خود و فرزندشان را در نظر می‌گیرند و این حالات ذهنی چگونه بر رفتار تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، مادرانی که آگاهی هیجانی کمتری دارند، علاوه بر بی‌اطلاعی از هیجانات خود، کنجکاوی و علاقه کمتری به درک وضعیت روانی فرزند خود نشان می‌دهند [۳۴]. پژوهش‌ها در این زمینه نشان داده است که توانایی ضعیف در تنظیم و مدیریت هیجانات والدین با استرس والدینی [۳۵] و واکنش‌های غیرحمایتی مادران به هیجانات منفی کودکان [۳۴] مرتبط است. بنابراین، تنظیم هیجان ابزار مهمی برای موفقیت در فرزندپروری، مقابله با استرس ناشی از نقش والدینی [۲۶] و فرسودگی والدینی [۳۶] است.

شواهد حمایتی در این زمینه نیز بر اهمیت راهبردهای تنظیم هیجان به عنوان یک عامل محافظتی در برابر آسیب پذیری روانی (به عنوان مثال، اضطراب و افسردگی) تأکید داشته‌اند [۳۸-۳۷]. لذا، مادران با نمرات روان‌رنجورخویی بالاتر، بیشتر از راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگار از جمله سرکوبی استفاده می‌کنند تا با اجتناب کردن از احساسات و تجربیات منفی، اضطراب خود را کاهش دهند. با این حال

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

سرکوبی به ندرت مفید است، زیرا باعث از بین رفتن یا تعدیل احساسات منفی و استرس نمی‌شود، فقط آن‌ها را از هوشیاری خارج می‌کند. افزون بر این، تجمع هیجانات منفی در درازمدت می‌تواند پیامدهای شناختی (مانند افزایش نشخوار فکری، نگرانی و کاهش حس کارآمدی) و پیامد رفتاری (مانند واکنش شدید به محرک‌های بی‌اهمیت، فقدان مهارت‌های حل مسئله و افزایش فاصله بین مادر و کودک) داشته باشد [۲۲].

یافته دیگر پژوهش حاضر همسو با سایر پژوهش‌ها [۲۲-۲۱] نشان داد که رابطه مستقیم وظیفه‌شناسی با فرسودگی والدینی معنادار است. به عبارت دیگر، مادرانی که نمرات وظیفه شناسی بالاتری دارند فرسودگی والدین پایین‌تری را گزارش می‌کنند. برای تبیین این یافته، صفت شخصیتی وظیفه شناسی با رفتارهای هدفمند، پای‌بندی به اصول اخلاقی و سخت کوشی مرتبط است [۱۷]. بنابراین مادرانی که نمرات وظیفه شناسی بالاتری دارند، احتمال بیشتری دارد که علی‌رغم مواجهه با مشکلات و استرس‌های فرزندپروری، در وظایف والدینی خود ثبات داشته باشند و به رفتارهای سازنده خود در تربیت فرزند ادامه دهند. وظیفه شناسی هم‌چنین با رضایت بیشتر از زندگی و بهزیستی روانی [۱۶] مرتبط است، بنابراین مادران وظیفه شناس کمتر تحت تأثیر استرس والدین و فرسودگی والدین قرار می‌گیرند.

یافته دیگر مطالعه حاضر نشان داد که رابطه غیرمستقیم وظیفه شناسی با فرسودگی والدینی با میانجی‌گری تنظیم هیجان (مکانیزم ارزیابی مجدد) معنادار است. به عبارت دیگر، وظیفه شناسی بالاتر در مادران، فرسودگی والدینی کمتر را از طریق استفاده بیشتر از ارزیابی مجدد توضیح می‌دهد. به‌طوری‌که روابط بین وظیفه شناسی و تنظیم هیجان سازش یافته، این‌گونه تبیین می‌شود که افراد با سطوح بالاتر وظیفه شناسی با توانایی حفظ توجه و تمرکز می‌توانند علی‌رغم رویارویی با محرک‌های منفی، رفتار معطوف به هدف را اتخاذ نمایند [۳۹].

همخوان با این یافته، Kobylińska و همکاران [۱۶]، نشان دادند که صفات شخصیتی (از جمله وظیفه‌شناسی) با جنبه‌های سلامت روان (از جمله رضایت از زندگی و عاطفه مثبت) ارتباط معنادار دارد. تنظیم هیجان متغیری است که می‌تواند این مکانیسم را توضیح دهد: استفاده بیشتر از ارزیابی مجدد به جای سرکوبی، رضایت بیشتری از زندگی را پیش‌بینی می‌کند. این مطالعه شواهدی را در مورد نقش مهم تنظیم هیجان در رابطه بین صفات شخصیتی (وظیفه شناسی) و بهزیستی روانی ارائه می‌کند. بنابراین، مادران وظیفه شناس بیشتر در مواجهه با تجارب ناخوشایند از راهبردهای مقابله‌ای مثبت (مانند ارزیابی مجدد) استفاده می‌کنند. به این ترتیب به جای سرزنش خود یا دیگران، یا نشخوار فکری و فاجعه سازی، سعی می‌کنند شرایط را بپذیرند و با ارزیابی و شناسایی موانع پیش رو، در جهت رفع مشکل گام بردارند. در نتیجه کمتر دچار فرسودگی والدین می‌شوند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عوامل ذیل اشاره داشت: اولاً، نتایج ارزیابی تنها بر پرسش‌نامه‌های خودگزارشی تکیه داشت که ممکن است به دلیل سوءگیری مرتبط با مطلوبیت اجتماعی، دقت تحقیق را کاهش دهد. لذا در پژوهش‌های آتی برای پیش‌برد یافته‌ها، روش‌های تحقیق مبتنی بر رویکرد کیفی (از جمله مصاحبه با آزمودنی‌ها)

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

برای درک عمیق‌تر پیشنهاد می‌شود. دوماً، نمونه پژوهش حاضر محدود به جامعه زنان بوده و تفاوت‌های جنسیتی در اینجا بررسی نشده است، بنابراین در مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود عوامل زیربنایی فرسودگی والدینی در پدران نیز مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر نشان داد که صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی به صورت مستقیم و غیرمستقیم با میانجی‌گری تنظیم هیجان با فرسودگی والدینی رابطه معنادار دارند. با توجه به نتایج حاصل، از لحاظ کاربردی آموزش و مداخلات روان درمانی متمرکز بر بهبود تنظیم هیجان مادران برای پیش‌گیری و درمان فرسودگی ناشی از نقش والدینی و نیز طراحی بسته‌های فرزندپروری با هدف بهبود سلامت روان مادر-کودک با محوریت شناخت و تنظیم هیجانات توصیه می‌شود.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از مادران شهر تهران که با صرف وقت گران بهای خود در راستای تکمیل پرسش‌نامه‌های پژوهش حاضر یاری‌گر ما بودند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

.

References

[1] Sanders R, Lehmann J, Gardner F. Parents' Emotional Responses to Early Parenthood. *JFI* 2022; 43(7): 1874-97.

[2] Mikolajczak M, Gross JJ, Roskam I. Parental burnout: What is it, and why does it matter? *Clin Psychol Sci* 2019; 7(6): 1319-29.

[3] Hansotte L, Nguyen N, Roskam I, Stinglhamber F, Mikolajczak M. Are all burned out parents neglectful and violent? A latent profile analysis. *JCFS* 2021; 30: 158-68.

[4] Yang B, Chen BB, Qu Y, Zhu Y. Impacts of parental burnout on Chinese youth's mental health: The role of parents' autonomy support and emotion regulation. *J Youth Adolesc* 2021; 50(8): 1679-92.

[5] Mikolajczak M, Raes ME, Avalosse H, Roskam I. Exhausted parents: Sociodemographic, child-related, parent-related, parenting and family-functioning correlates of parental burnout. *J Child Fam Stud* 2018; 27: 602-14.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

[6] Vigouroux SL, Scola C. Differences in parental burnout: Influence of demographic factors and personality of parents and children. *FPSYG* 2018; 9: 887.

[7] Vinayak S, Dhanoa S. Relationship of parental burnout with parental stress and personality among parents of neonates with hyperbilirubinemia. *Int J Indian Psychol* 2017; 4(2): 102-11.

[8] Zhang F, Baranova A, Zhou C, Cao H, Chen J, Zhang X, et al. Causal influences of neuroticism on mental health and cardiovascular disease. *Hum Genet* 2021; 140: 1267-81.

[9] Purnamaningsih EH. Personality and emotion regulation strategies. *Int J Psychol Res* 2017; 10(1): 53-60.

[10] Roberts BW, Hill PL, Davis JP. How to change conscientiousness: The sociogenomic trait intervention model. *PD: TRT* 2017; 8(3): 199.

[11] Pocnet C, Dupuis M, Congard A, Jopp D. Personality and its links to quality of life: Mediating effects of emotion regulation and self-efficacy beliefs. *Motiv Emot* 2017; 41: 196-208.

[12] Gross JJ. The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Rev Gen Psychol* 1998; 2(3): 271-99.

[13] Gross JJ, John OP. Individual differences in two emotion regulation processes: implications for affect, relationships, and well-being. *J Pers Soc Psychol* 2003; 85(2): 348.

[14] Shahane AD, Lopez RB, Denny BT. Implicit reappraisal as an emotional buffer: Reappraisal-related neural activity moderates the relationship between inattention and perceived stress during exposure to negative stimuli. *Cogn Affect Behav Neurosci* 2019; 19: 355-65.

[15] Domaradzka E, Fajkowska M. Cognitive emotion regulation strategies in anxiety and depression understood as types of personality. *Front Psychol* 2018; 9: 856.

[16] Kobylińska D, Zajenkowski M, Lewczuk K, Jankowski KS, Marchlewska M. The mediational role of emotion regulation in the

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

relationship between personality and subjective well-being. *Curr Psychol* 2020: 1-14.

[17] Razagh Pour M, Hoseinzadeh AA. The mediating role of Cognitive Emotion Regulation Strategies in the relationship between personality traits with somatization symptoms of female university students. *J Appl Psychol* 2019; 13(2): 295-316. [Farsi]

[18] Barańczuk U. The five factor model of personality and emotion regulation: A meta-analysis. *Pers Indiv Differ* 2019; 139: 217-27.

[19] Chen C, Mao Y, Luo J, He L, Jiang Q. Regional gray matter volume mediates the relationship between conscientiousness and expressive suppression. *Front HUM Neurosci* 2018; 12: 301.

[20] Lebert-Charron A, Dorard G, Boujut E, Wendland J. Maternal burnout syndrome: Contextual and psychological associated factors. *Front Psychol* 2018; 9: 885.

[21] Le Vigouroux S, Scola C, Raes ME, Mikolajczak M, Roskam I. The big five personality traits and parental burnout: Protective and risk factors. *Pers Individ Dif* 2017; 119: 216-9.

[22] Sekułowicz M, Kwiatkowski P, Manor-Binyamini I, Boroń-Krupińska K, Cieślik B. The Effect of Personality, Disability, and Family Functioning on Burnout among Mothers of Children with Autism: A Path Analysis. *Int J Environ Res Public Health* 2022; 19(3): 1187.

[23] Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling. *JGP* 2023; 15-7.

[24] Roskam I, Brianda ME, Mikolajczak M. A step forward in the conceptualization and measurement of parental burnout: The Parental Burnout Assessment (PBA). *Front Psychol* 2018; 9: 758.

[25] Mousavi SF, Mikolajczak M, Roskam I. Parental burnout in Iran: Psychometric properties of the Persian (Farsi) version of the Parental Burnout Assessment (PBA). *New Dir Child Adolesc Dev* 2020; 174: 85-100.

[26] Schultheis AM, Mayes LC, Rutherford HJ. Associations between emotion regulation and

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

parental reflective functioning. *J Child Fam Stud* 2019; 28: 1094-104.

[27] Karbalaie M, Yazdanbakhsh K, Karimi P. Predicting Psychological Well-Being Based on Emotion Regulation, Cognitive Flexibility and Mindfulness in Cancer Patients. *HPJ* 2021; 10(37): 141-60. [Farsi]

[28] McCrae RR, Costa Jr PT. The NEO Personality Inventory: Using the five-factor model in counseling. *J Counsel Dev* 1991; 69(4): 367-72.

[29] Helle AC, Mullins-Sweatt SN. Maladaptive personality trait models: Validating the five-factor model maladaptive trait measures with the Personality Inventory for DSM-5 and NEO Personality Inventory. *Assessment* 2019; 26(3): 375-85.

[30] Anisi J. Validity and reliability of NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) on university students. *IJBS* 2012; 5(4): 351-5. [Farsi]

[31] Collier J. Applied structural equation modeling using AMOS: Basic to advanced techniques. Routledge; 2020: 6-27.

[32] Nitzl C, Roldan JL, Cepeda G. Mediation analysis in partial least squares path modeling: Helping researchers to discuss more sophisticated models. *Ind Manag Data Syst* 2016; 116(9): 1849-64.

[33] Ahmadi H, Davari R. Structural model of personality traits with mediating role of spirituality in suicidal tendency and drug abuse. *JTBCP* 2019; 14(51): 67-77. [Farsi]

[34] Kosari F, Esmaeilinasab M. The Relation between Mothers' Cognitive Emotion Regulation Style and Their Reactions to Children's Negative Emotions. *JFR* 2018; 14(2): 237-51. [Farsi]

[35] Shokri A, Kazemi R, Narimani M, Taklavi S. Comparison of the effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy and emotion regulation training on parental stress of mothers with aggressive children. *J Child Ment Health* 2020; 7(1): 205-19. [Farsi]

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

[36] Swit CS, Breen R. Parenting during a pandemic: Predictors of parental burnout. *J Fam Issues* 2022; 44(7): 1817-37.

[37] Raymond C, Marin MF, Juster RP, Lupien SJ. Should we suppress or reappraise our stress?: the moderating role of reappraisal on cortisol reactivity and recovery in healthy adults. *Anxiety Stress Coping* 2019; 32(3): 286-97.

[38] Carreras J, Carter AS, Heberle A, Forbes D, Gray SA. Emotion regulation and parent distress: Getting at the heart of sensitive parenting among parents of preschool children experiencing high sociodemographic risk. *J Child Fam Stud* 2019; 28: 2953-62.

[39] Derryberry D, Reed MA, Pilkenton–Taylor CA. Temperament and coping: Advantages of an individual differences perspective. *Dev Psychopathol* 2003; 15(4): 1049-66.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]

The Mediating Role of Emotion Regulation in the Relationship between the Personality Traits of Neuroticism and Conscientiousness and Parental Burnout in Mothers of Tehran City during 2022-2023: A Descriptive Study

Motahareh Gholami Hosnaroudi[1], Nazanin Fatehi[2], Seyyedeh Fatemeh Mousavi[3]

Received: 04/07/23 Sent for Revision: 09/09/23 Received Revised Manuscript: 23/12/23 Accepted: 25/12/23

Background and Objectives: Parenting responsibilities for mothers as the main caregivers is a stressful experience that can lead to parental burnout. Therefore, it seems necessary to investigate the underlying factors that increase the risk of maternal burnout. The present study aimed to determine the mediating role of emotion regulation in the relationship between personality traits of neuroticism and conscientiousness and parental burnout in mothers of Tehran City.

Materials and Methods: In current descriptive research, the sample size included 286 mothers in Tehran in the period of 2022-2023, who were selected by convenience sampling method. Roskam's Parental Burnout Questionnaire, Gross and John's Emotion Regulation Questionnaire, and Costa and McCrae's Five-Factor Personality Questionnaire were used to collect data. Data were analyzed by Pearson's and path analysis method.

Results: The mean and standard deviation of the age of the examined mothers was 35.78±8.43 years. The results of mediation analysis showed that the direct and indirect relationships between neuroticism and parental burnout through suppression were significant (β=0.194, β=0.069, $p<0.01$, respectively). Also, the direct and indirect relationships between conscientiousness and parental burnout through reappraisal were significant (β=-0.216, β=-0.078, $p<0.05$, respectively). Therefore, suppression in the relationship between neuroticism and parental burnout and also reappraisal in the relationship between conscientiousness and parental burnout had a complementary partial mediating role.

Conclusion: The present research emphasizes the important role of emotional regulation strategies that link personality traits to parental burnout and also the importance of paying attention to teaching emotional skills to mothers.

Key words: Parental burnout, Personality traits, Neuroticism, Conscientiousness, Emotion regulation

Funding: This study did not have any funds.

Conflict of interest: None declared.

Ethical approval: The Ethics Committee of Alzahra University approved the study (IR.ALZAHRA.REC.1400.076).

How to cite this article: Gholami Hosnaroudi Motahareh, Fatehi Nazanin, Mousavi Seyyedeh Fatemeh. The Mediating Role of Emotion Regulation in the Relationship Between the Personality Traits of Neuroticism and Conscientiousness and Parental Burnout in Mothers of Tehran City During 2022-2023: A Descriptive Study. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2024; 22 (10): 1019-36. [Farsi]

1- PhD student in Clinical Psychology, Dept of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2- PhD student in Clinical Psychology, Dept., of Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran
3- Associate Prof.,Dept., of Psychology, Women Research Center, Alzahra University , Tehran, Iran, ORCID: 0000-0002-4790-4010
(Corresponding Author) Tel: (021) 88058926, Fax: (021) 85692078, E-mail: f.mousavi@alzahra.ac.ir

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/jrums.22.10.1019]